

The Impact of Neoliberalism on the Ethical Judgment of Auditors¹

Reza Bagherzadegan², Mehdi Moradzadehfard³, Bahman Banimahd⁴,
Zahra Poorzamani⁵

Received: 2022/04/09

Accepted: 2022/09/22

Research Paper

Abstract

Purpose: The development of the auditing profession and its ability to gain public trust will depend on the observance of professional ethics. The neoliberal mindset is one of the most important factors influencing the behaviors and level of ethics of auditors, and identifying the mindset is an important source of information to identify the ethical judgment of auditors. Therefore, in this study, the impact of neoliberalism on the ethical judgment of independent auditors has been investigated.

Method: In this research, 194 auditors working in private sector auditing firms and auditing organizations in 2022 participated. Data were collected through a paper questionnaire and analyzed using Excel and SPSS software.

Results: The findings of this study show that neoliberalism has a negative and significant relationship with the moral judgment of auditors and with increasing liberalism thinking, the moral judgment of auditor's decreases.

Conclusion: Based on the findings of this study, since the main task of auditors is to reassure and comment on financial statements and the judgment of auditors can affect the interests of many users, so identify those ethical factors that can affect the judgment of the auditor. To be effective is important.

Contribution: The findings of this study can lead to the development of auditing theories and texts about auditors' judgment, as well as useful information for the community of certified public accountants and other policymakers of the auditing profession about the level of neoliberal thinking among auditors and the effect of this thinking on their judgment.

Keywords: Neoliberalism, Moral judgment, Social interests, Independence.

JEL Classification: M42, D7.

1. DOI: 10.22051/JAASCI.2022.40471.1706

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (reza.bagherzadegan@srbiau.ac.ir).

3. Associate Professor, Department of Accounting, Karaj Branch, Islamic Azad University, Alborz, Iran. Corresponding Author, (Moradzadehfard@yahoo.com).

4. Associate Professor, Department of Accounting, Karaj Branch, Islamic Azad University, Alborz, Iran. (dr.banimahd@gmail.com).

5. Professor, Department of Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (zahra.Poorzamani@yahoo.com).

تأثیر نئولیبرالیسم بر قضاوت اخلاقی حسابران^۱

رضا باقرزادگان^۲، مهدی مرادزاده فرد^۳، بهمن بنی مهدی^۴، زهرا پورزمانی^۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۳۰

چکیده

هدف: تکامل حرفه حسابرسی و توانایی آن در جلب اعتماد عمومی به رعایت اخلاق حرفه‌ای بستگی خواهد داشت. الگوی فکری نئولیبرالیسم یکی از عوامل مهم موثر بر رفتارها و سطح استدلال اخلاقی حسابران است و شناسایی الگوی فکری یک منبع مهم اطلاعاتی برای شناسایی قضاوت اخلاقی حسابران است. از این رو، در این پژوهش تأثیر نئولیبرالیسم بر قضاوت اخلاقی حسابران مستقل مورد بررسی قرار گرفته است.

روش: در این پژوهش، تعداد ۱۹۴ از حسابران شاغل در موسسات حسابرسی بخش خصوصی و سازمان حسابرسی در سال ۱۴۰۰ مشارکت داشتند. داده‌ها از طریق پرسشنامه کاغذی جمع‌آوری شد و با استفاده از نرم‌افزارهای اکسل و اس.پی.اس.اس مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نئولیبرالیسم رابطه منفی و معناداری با قضاوت اخلاقی حسابران دارد و با افزایش تفکر لیبرالیسم، قضاوت اخلاقی حسابران کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های این پژوهش، از آنجا که وظیفه اصلی حسابران اطمینان‌بخشی و اظهار نظر نسبت به صورت‌های مالی است و قضاوت حسابران می‌تواند، منافع استفاده‌کنندگان زیادی را تحت تأثیر قرار دهد، بنابراین شناسایی آن دسته از عوامل اخلاقی که می‌تواند بر قضاوت حسابران تأثیرگذار باشد، حائز اهمیت است.

دانش‌افزایی: یافته‌های این پژوهش می‌تواند موجب بسط و گسترش نظریه‌ها و متون حسابرسی در ارتباط با قضاوت حسابران گردد. همچنین، اطلاعات سودمندی را برای جامعه حسابداران رسمی و سایر سیاست‌گذاران حرفه حسابرسی، درباره سطح تفکر نئولیبرالیسم در میان حسابران و اثر این تفکر بر قضاوت آن‌ها، ارائه دهد.

واژه‌های کلیدی: نئولیبرالیسم، قضاوت اخلاقی، منافع اجتماعی، استقلال.

طبقه بندی موضوعی: M42, D7.

10.22051/JAASCI.2022.40471.1706 : DOI

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (reza.bagherzadegan@srbiau.ac.ir).

۲. دانشیار، گروه حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران. نویسنده مسئول. (Moradzadehfard@yahoo.com).

۳. دانشیار، گروه حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران. (dr.banimahd@gmail.com).

۴. استاد، گروه حسابداری، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (zahra.Poorzamani@yahoo.com).

jaacsi.alzahra.ac.ir

مقدمه

در سه دهه گذشته مفهوم جدیدی از لیبرالیسم^۱ به نام نئولیبرالیسم^۲ در اقتصاد پدیدار گشته است. این مفهوم، لیبرالیسم را گسترش داده است و موضوعاتی چون قانون بازار، خصوصی سازی، مقررات زدایی، کاهش نقش دولت برای خدمات اجتماعی و حذف منافع عموم^۳ و جایگزینی آن با منافع فردی را دنبال می کند. در واقع سیاست های تعدیل اقتصادی نئولیبرالیسم و خصوصی سازی، منافع اکثریت مردم در حوزه آموزش، بهداشت و اشتغال، منافع عموم را به خطر می اندازد. پژوهشگران، بحران اقتصادی را یکی از پیامدهای نئولیبرالیسم می دانند. به عقیده آن ها رقابت، خصوصی سازی و بازار آزاد و تاکید بر منافع شخصی که از پایه های اساسی تفکر نئولیبرالیسم است، موجب ایجاد بحران ها در حوزه مالی و همچنین، قصور حساب رسان شده است (سیکا، ۲۰۱۵: ۳)

تشکیل جامعه حسابداران رسمی و در پی آن افزایش موسسات حسابرسی و در نتیجه گسترش رقابت در بازار حسابرسی کشور را می توان کمک به گسترش تفکر نئولیبرالیسم در حرفه حسابرسی دانست (درمارکار و چندرون، ۲۰۱۹: ۵۶). با خصوصی سازی حرفه حسابرسی و رشد رقابت در میان موسسات حسابرسی، فعالیت بازاریابی، حفظ مشتری و تجاری شدن حرفه حسابرسی در کشور رونق یافته است (شجاع، بنی مهد و و کیلی فرد، ۱۳۹۷: ۳۴). همچنین، مطالعات نشان می دهد که پول پرستی^۴ و مشتری مداری با رقابتی شدن بازار حسابرسی، رونق یافته است. این موضوع باعث می شود تا حساب رسان به فروش اظهار نظر روی آورند و منافع فردی خود را به منافع عموم ترجیح دهند (مشهدی قره قیه، بنی مهد، فرقاندوست حقیقی و مرادزاده، ۱۳۹۸: ۱۶۲). این مساله در نهایت مغایر با اخلاق حرفه ای^۵ و موجب تنزل کیفیت حسابرسی است و شهرت حساب رس را تحت الشعاع خود قرار خواهد داد. افزایش تعداد شرکای تعلیق شده از سوی کمیته انطباطی جامعه حسابداران رسمی خود گواهی بر این ادعا است. اگر خصوصی سازی حسابرسی و در نتیجه افزایش رقابت در بازار حسابرسی را دو عامل اصلی تجاری سازی حرفه حسابرسی بدانیم، در آن صورت باید گفت که این دو عامل،

-
1. Liberalism
 2. Neoliberalism
 3. Social Interests
 4. Love Money
 5. Independence Auditor

مولفه‌های مهم تفکر اقتصادی نئولیبرالیسم هستند. به عبارت دیگر، نئولیبرالیسم بر حذف دولت در امور اقتصادی، خصوصی سازی و ایجاد رقابت در جوامع تاکید دارد. در واقع رشد تفکر نئولیبرالیسم در اقتصاد ایران در سال‌های اخیر، باعث شده است تا منافع فردی در مقایسه با منافع عمومی، نزد گروه‌های مختلف مردم در جامعه از جمله حسابرسان، در اولویت قرار گیرد. از این رو، فقدان پژوهش کافی در زمینه سطح تفکر نئولیبرالیسم در میان حسابرسان و تاثیر آن بر قضاوت اخلاقی و همچنین، اهمیت ویژه‌ای که این تفکر بر فعالیت‌های حسابرسان به ویژه بعد از خصوصی سازی حرفه حسابرسی متصور است، این انگیزه را در نویسندگان مقاله به وجود آورد تا اثرات نئولیبرالیسم را بر قضاوت اخلاقی حسابرسان مورد بررسی قرار دهند. بر این اساس، پرسش اصلی این پژوهش آن است که تا چه اندازه تفکر نئولیبرالیسم بر قضاوت اخلاقی حسابرسان اثرگذار است. هدف اصلی پژوهش حاضر معرفی مفهوم نئولیبرالیسم و بررسی اثر این تفکر بر قضاوت حسابرس می‌باشد. ارزش افزوده و دستاوردهای این پژوهش را می‌توان به شرح زیر بر شمرد: اول آن که نتایج این مقاله می‌تواند موجب بسط و گسترش نظریه‌ها و متون حسابرسی درباره قضاوت حسابرس گردد. همچنین، یافته‌های این پژوهش می‌تواند اطلاعات سودمندی را برای جامعه حسابداران رسمی و سایر سیاست‌گذاران حرفه حسابرسی درباره سطح تفکر نئولیبرالیسم در میان حسابرسان و اثر این تفکر بر قضاوت آن‌ها قرار دهد.

مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

نئولیبرالیسم

لیبرالیسم تفکری است که دغدغه اصلی آن آزادی فردی است. به بیان دیگر، لیبرالیسم به مجموعه دیدگاه‌ها، روش‌ها، سیاست‌ها و طرز تفکری اشاره دارد که مهم‌ترین هدف آن، فراهم آوردن آزادی هرچه بیشتر برای فرد است و پایه و اساس این مکتب مبتنی بر فردگرایی است (هاروی، ۲۰۰۵: ۹). نئولیبرالیسم مفهومی از نظریه اقتصاد سیاسی^۱ است. این مفهوم بر این نکته تاکید دارد که رفاه انسان را می‌توان با فراهم آوردن آزادی‌ها و مهارت‌های کارآفرینی فردی در چارچوب مالکیت

1. Political economy

خصوصی، بازار آزاد و تجارت آزاد به بهترین شکل ارتقا داد. نئولیبرالیسم بازار را بستر فوق‌العاده‌ای می‌داند که به جامعه اجازه می‌دهد، صرف‌نظر از اینکه کوچک یا بزرگ، ساده یا پیچیده باشد، تولید و توزیع کالاها و خدمات را به شکلی کارآمد سازماندهی کند. نئولیبرالیسم، نه تنها به معاملات بازار محور مانند تولید و توزیع کالاها و خدمات اشاره دارد، بلکه تقریباً به تمام ساختارهای انسانی و اجتماعی مانند سیاست اجتماعی و روابط اجتماعی تاکید دارد. از این رو، بازار به‌عنوان یک بستر و راهنمایی کارآمد، برای تمام اعمال انسان در نظر گرفته می‌شود. نئولیبرالیسم، نه تنها به مثابه یک سیستم اقتصادی، بلکه به‌عنوان یک الگوی فلسفی نیز است که تأثیرات فراگیری بر الگوهای فکری انسان در درک و تفسیر از زندگی و جهان دارد. تا آنجا که کارایی بازار، انتخاب مشتری، تفکر تجارت را به حوزه روابط اجتماعی و شخصی گسترش می‌دهد. به‌عنوان یک الگوی فلسفی، نئولیبرال‌ها به سؤالاتی مانند «چرا اینجا هستیم؟» و «چه باید بکنیم؟» پاسخ می‌دهند. نئولیبرال‌ها برای این سؤالات استدلال می‌کنند: ما برای بازار و همچنین، برای رقابت اینجا هستیم. در این الگوی فلسفی، هر انسانی یک کارآفرین است و باید زندگی خود را به‌عنوان یک واحد تجاری با در نظر گرفتن منطق بازار مدیریت کند. چنین رفتار اجتماعی موجب گسترش تفکر و روابط بازار به حوزه‌های غیراقتصادی زندگی است. این تفکر موجب می‌شود تا انسان در همه حوزه‌ها، منافع شخصی را در اولویت قرار دهد. نئولیبرالیسم، جامعه را صرفاً از مجموعه‌ای از افراد می‌داند. بنابراین، این تفکر بر اخلاق فردگرایانه‌ای تاکید دارد که بر منفعت شخصی استوار است (هاروی، ۲۰۰۵: ۸). توجه موسسات حسابرسی در دهه‌های اخیر به فعالیت‌های بازاریابی و تجاری سازی حسابرسی نشان می‌دهد که آن‌ها به منظور کسب بیشتر سود و کاهش هزینه‌های خود، تفکر نئولیبرالیسم را دنبال می‌نمایند (بروبرگ، اومانس و گرلوفستیک، ۲۰۱۳: ۵۹).

نظریه اخلاقی منفعت‌گرایی

نظریه اخلاقی منفعت‌گرایی، نظریه اعتقاد به تحصیل بیشترین سود و منافع برای افراد را دارد. در این نظریه بر کلماتی مانند خوشی، لذت‌های مادی و رفاه برخاسته از پول و ثروت، تاکید می‌شود. به بیان دیگر، در این نظریه اخلاقی، مبنای خوبی و بدی براساس لذت و کامیابی‌ها و امیال توجیه می‌شود. بنابراین، همه فعالیت‌های انسانی از جمله اخلاق را می‌توان براساس اصطلاح خوشی و درد

تجزیه و تحلیل کرد. افراد در انجام رفتارهای خود به دنبال لذت و خوشی بیشتر و پرهیز از درد هستند. نظریه منفعت‌گرایی، یکی از گرایش‌های مکتب اخلاقی نتیجه‌گرایی است. در این مکتب ارزش اخلاقی کار، براساس غایت و نتیجه خارجی آن تعیین می‌شود. لذت، سود، قدرت، رفاه و کمال، هر یک ممکن است غایت و نتیجه اخلاقی کارها و معیار ارزش‌های اخلاقی به حساب آیند. نتیجه‌گرایان، درستی یک عمل را صرفاً به وسیله تعیین میزان فایده حاصل از آن می‌دانند. یک عمل در صورتی از لحاظ اخلاقی درست است که نتایج آن بیشتر مطلوب تا نامطلوب، باشد. نتیجه‌گرایان، در ابتدا نتایج خوب و بد عمل را محاسبه می‌کنند. سپس، تعیین می‌کنند که آیا مجموع نتایج خوب بر نتایج بد غلبه دارد یا خیر؟ اگر نتایج بد بیشتر بود در این صورت، عمل مورد نظر از لحاظ اخلاقی نادرست و اگر نتایج خوب بیشتر بود، در این صورت، این عمل از لحاظ اخلاقی درست است (موفق و هادوی نیا، ۱۳۸۸: ۴۱).

در سرمایه‌داری نئولیبرال، دیدگاه‌های اخلاقی جامعه و اقتصاد با اخلاق فردی و تجاری تبیین می‌شود. اقتصاد نئولیبرال، آنچه را برای جامعه خوب می‌داند که مبتنی بر کارایی بازار باشد. نئولیبرالیسم را می‌توان به‌عنوان یک دیدگاه در مکتب منفعت‌گرایی دانست، زیرا نئولیبرالیسم آنچه را که برای جامعه ترجیح می‌دهد، ریشه در مفاهیم نظریه اخلاقی منفعت‌گرایی دارد (فریمن، ۲۰۱۱: ۲۹).

بکر، مک‌کارتنی و فائمی (۲۰۲۲: ۳) اعتقاد دارند که تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از اثرات نئولیبرالیسم بر حسابداری است. این تفکر باعث شده است تا قدرت‌های بزرگ اقتصادی و موسسات مالی بین‌المللی نظیر بانک جهانی، کشورهای فقیر و ضعیف را تشویق به پذیرش استانداردهای مذکور نمایند. آن‌ها استدلال می‌کنند که بانک جهانی از استانداردهای حسابداری برای اولویت بخشیدن جنبه‌های اقتصادی بر جنبه‌های اجتماعی، در ترویج اصلاحات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و فقیر، استفاده می‌کند. همچنین، آن‌ها اذعان می‌کنند که اجرای اصلاحات اقتصادی نئولیبرال از سوی بانک جهانی، موجب گسترش فساد و تقلب در کشورهای فقیر و ضعیف شده است. درمارکار و هیزگی (۲۰۲۲: ۱) تجاری‌سازی حرفه حسابرسی را به نئولیبرالیسم نسبت می‌دهند. به عقیده آن‌ها، ارزش‌ها و مزایای مثبتی که حسابرسان به منطق تجاری‌سازی

حسابرسی نسبت می‌دهند، موجب خواهد شد تا اخلاق حرفه‌ای میان حساب‌برسان تنزل یابد و در نهایت تعهد حرفه‌ای حساب‌برسان در راستای حفظ منافع عموم، عملاً پوچ به نظر برسد.

اویارزن، گرارد و ساوج (۲۰۲۱: ۴) مسئولیت‌پذیری اجتماعی و شهروند مسئولیت‌پذیر را دو واژه‌ای می‌دانند که تحت تاثیر نئولیبرالیسم قرار گرفته است. به عقیده آن‌ها تفکر نئولیبرال، اخلاق را در چارچوب "کاهش خطر و به حداکثر رساندن منفعت"، تعریف می‌کند. بنابراین در چنین تفکری، مسئولیت‌پذیری و شهروند مسئول به‌طور محتوایی وجود ندارد. در مارکار و جندرون (۲۰۱۹: ۵۸) در بررسی پیشنهاد هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام، در مورد چرخش حساب‌برس دریافتند که علت مخالفت موسسات حساب‌رسی با این موضوع ناشی از اثرات تفکر نئولیبرالیسم در حساب‌برسان است. آن‌ها بر اساس سه مولفه نئولیبرالیسم، یعنی منفعت/هزینه، انباشت سرمایه و رقابت مبتنی بر بازار، مکاتبات موسسات حساب‌رسی با هیئت مذکور را مورد بررسی قرار دادند. اکثر موسسات حساب‌رسی چرخش حساب‌برس را مغایر با مولفه‌های نئولیبرالیسم تشخیص داده بودند و مخالف پیشنهاد هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام بودند.

فتنون (۲۰۱۹: ۶) دریافت هر چه کارکنان در سازمان‌های نئولیبرال، خود را ریسک‌گریزتر تصور کنند، استرس اخلاقی بیشتری را تجربه می‌کنند. به عقیده او نادیده گرفتن اخلاق و تاکید بر منافع شخصی توسط مدیران سازمان، می‌تواند منجر به رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت شود و منافع استفاده‌کنندگان از خدمات سازمان را به خطر اندازد. برابرگ و تیمورس، اسکوگ و تئودرسان (۲۰۱۸: ۳۷۴)، در پژوهشی نشان دادند، افزایش سطح فعالیت بازاریابی موسسات حساب‌رسی منجر به تمایل بیشتر آن‌ها برای حفظ مشتریان می‌شود. این موضوع یک مزیت رقابتی ایجاد می‌کند. همچنین، تقاضای مشتریان برای دریافت خدمات کسب و کار افزایش می‌یابد که به نوبه خود منجر به انطباق موسسات حساب‌رسی با مشتریان می‌شود و در نهایت منجر به ایجاد نقش فعال در بازار و حفظ مشتری خواهد شد.

بناتار، اوپشور و گیل (۲۰۱۸: ۱) بر این عقیده هستند که در عصر نئولیبرالیسم، تقویت اخلاق، همکاری بیشتر میان افراد، احترام متقابل، دموکراسی عمیق‌تر و بهبود عدالت اجتماعی می‌تواند توسعه پایداری را به‌عنوان یک اصل تسهیل کند. با این وجود، در نهایت، چنین پیشرفتی مستلزم دگرگونی

قدرت سیاسی و همچنین، سیاست‌هایی است که مبتنی بر تعهدات اخلاقی جدید باشد. به عقیده مک لود (۲۰۱۷: ۴۸) معانی اخلاق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را نمی‌توان با مولفه‌های نئولیبرالیسم یعنی رقابت، انتخاب منطقی، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری شخصی درک کرد، زیرا این مولفه‌ها بر مبنای منافع فردی استوار است، در حالی که اخلاق، منافع عموم را در نظر دارد. جوهری، سانوسی و چونگ (۲۰۱۷: ۳۸) دریافتند حسابرسانی که از نظر اخلاقی نسبی‌گرا و به دنبال منافع شخصی هستند، تصمیم‌گیری اخلاقی کمتری انجام می‌دهند. همچنین، آن‌ها نشان دادند هرگاه حساسیت اخلاقی حسابرسان پایین باشد، فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی نیز دچار خدشه می‌شود. علاوه بر آن، تجاری‌سازی حرفه حسابرسی بر اساس نظریه شبکه کنشگران مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش، جذب کارشناسان بازاریابی توسط موسسات حسابرسی در آمریکای شمالی را سرآغاز تجاری‌سازی حرفه حسابرسی می‌داند. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که تجاری‌سازی حرفه حسابرسی موجب تنزل حرفه‌گرایی و اخلاق حرفه‌ای در راستای حفظ منافع عموم خواهد شد. لئورل (۲۰۱۵: ۲۴۶) تاکید دارد که خصوصی‌سازی خدمات اجتماعی باعث بروز رفتارهای غیراخلاقی و تقلب می‌شود. او توزیع نابرابر درآمد، کاهش دستمزدها، افزایش نابرابری‌ها و کاهش امنیت شغلی کارکنان را نتیجه خصوصی‌سازی ناشی از تفکر لیبرالیسم می‌داند. احمد الخیر، حنیفا، هودیا و عبدکریم (۲۰۱۵: ۲۲۷) معتقد هستند که در کشورهای در حال توسعه، سیاست‌ها و اقدامات اقتصادی اغلب در دست نخبگان سیاسی است و نئولیبرالیسم وسیله‌ای مناسب برای مشروعیت بخشیدن به اعمال قدرت نخبگان سیاسی در تبدیل دارایی‌های دولت به بنگاه‌های خصوصی و مقررات‌زدایی از فعالیت‌های اقتصادی و همچنین، توانمندسازی خود و وابستگان بوده است. در حقیقت، تفکر نئولیبرالیسم تسهیل‌کننده فساد و تقلب در چنین کشورهایی بوده است. در چنین محیطی همسویی منافع حسابرس و صاحبکار، می‌تواند مشکل را دوچندان نماید.

به اعتقاد میشل و سیکا (۲۰۱۱: ۱) موسسات حسابرسی بزرگ نقش کلیدی در مشاوره دادن دولت بریتانیا در دهه ۱۹۷۰ برای گسترش تفکر نئولیبرالیسم داشتند. آن‌ها خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی و گسترش منطق بازار در حوزه‌های آموزش، بهداشت و درمان و سایر خدمات ضروری را به دولت وقت بریتانیا پیشنهاد دادند. همچنین، این موسسات شرکت‌ها را در تدوین استراتژی‌های

خلاقانه برای افزایش سود و اجتناب مالیاتی کمک کردند. آن‌ها در تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی و مقررات نظارتی برای شرکت‌ها و بازارهای مالی جهانی نیز مشارکت داشتند. این موضوع می‌تواند رعایت اخلاق حرفه‌ای از جمله استقلال حسابرس را مورد تردید قرار دهد. در دنیای نئولیبرال، موفقیت موسسات حسابرسی با سود و تعداد مشتریان و تأکید بر تجاری بودن سنجیده می‌شود. حسابرسان در تایید صورت‌های مالی شرکت‌ها شکست خورده‌اند، زیرا آن‌ها سابقه سکوت و تبانی با مدیران شرکت‌ها دارند. مرینو، مایپر و تولسون (۲۰۱۰: ۷۷۵) عنوان می‌کنند که قانون ساربنز آکسلی برخاسته از تفکر نئولیبرالیسم است. این قانون برتری سهامداران و استفاده مداوم از یک مدل حاکمیت شرکتی شکست خورده را مشروع می‌داند. اولویت سهامداران، مسئولیت‌پذیری اجتماعی حسابرسان را تضعیف می‌کند. باررت و جندرون^۱ (۲۰۰۶: ۶۳۴) نیز معتقدند در گذشته حرفه حسابرسی از طریق خدمات با کیفیت به مشتریان خود، مشکلی برای جذب مشتریان جدید نداشته است، اما در دهه‌های اخیر به دلیل رشد لیبرالیسم و جهانی شدن فعالیت‌های اقتصادی و همچنین، افزایش موسسات حسابرسی، رقابت در بازار حسابرسی رشد نموده و موسسات حسابرسی به ناچار به فعالیت‌های بازاریابی برای جذب مشتری روی آورده‌اند. استوارت (۲۰۰۲: ۱) تایید می‌نماید موسسات حسابرسی برای ماندن در بازار رقابت با یکدیگر ادغام شده‌اند. در گذشته تعداد موسسات حسابرسی بزرگ هشت موسسه حسابرسی بوده است، اما در حال حاضر به دلیل ادغام به چهار موسسه حسابرسی، تقلیل یافته است. این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که موسسات حسابرسی به منظور کسب بیشتر سود و کاهش هزینه‌های خود، تجاری‌سازی را دنبال می‌نمایند. موسسات حسابرسی کوچک نیز به پیروی از موسسات بزرگ، واحدهای بازاریابی را در دفاتر خود ایجاد نموده‌اند. هدف این موسسات، از این کار کسب مشتریان بیشتر می‌باشد. این موضوع می‌تواند پیامدهای نامطلوبی بر اخلاق حرفه‌ای در حسابرسی داشته باشد. جوردن، دیما و گولت (۲۰۱۶: ۱۹۷)، بررسی تاثیر حرفه‌ای بودن حسابرسان بر قضاوت اخلاقی: تفاوت میان دانشجویان و حسابرسان پرداختند. آن‌ها به تجزیه و تحلیل حرفه‌ای بودن حسابرسان از طریق دو مولفه اصلی حرفه‌ای بودن (حفظ منافع عموم و استقلال) پرداختند و نتایج تحقیق آنان حاکی از آن بود که تعهد دانشجویان به

1. Barrett and Gendron

منافع عموم و اجرای استقلال از حسابرسان به طور قابل توجهی بالاتر است و با افزایش تجربه حسابرسان، این ارزش‌های حرفه‌ای کاهش می‌یابد و همچنین، حسابرسان قضاوت حرفه‌ای بیشتری نسبت به دانشجویان دارند.

بنی مهد، مرادزاده و زینالی (۱۳۹۲: ۹۱) در بررسی تغییر حسابرس و تغییر اظهارنظر حسابرسی، دریافتند که حسابرس جدید، اظهارنظر مطلوب‌تری در مقایسه با حسابرس قبلی ارائه می‌نماید. آن‌ها این موضوع را نوعی همسویی منافع میان حسابرس و مدیریت صاحبکار می‌دانند و پدیده خرید اظهارنظر حسابرس که می‌تواند منجر به افزایش منافع شخصی حسابرس در بازار حسابرسی کشور شود را تایید می‌نمایند. شجاع و همکاران (۱۳۹۷: ۳۱)، به این نتیجه دست یافتند که موسسات حسابرسی در جذب و حفظ روابط خود با صاحبکاران، به فعالیت‌های بازاریابی روی می‌آورند. همچنین، رقابت میان موسسات حسابرسی، باعث می‌شود که آن‌ها از اصول پیچیده بازاریابی پیروی کنند و همواره به دنبال تکنیک‌های جدید بازاریابی باشند. بنابراین، حسابرسان بر این باور هستند که فعالیت‌های بازاریابی بخش مهمی از حرفه آن‌ها است. موسوی و پهلوان (۱۳۹۴: ۱۸۳)، در پژوهش خود "توازن بین مسئولیت‌های حسابرسی و بازاریابی توسط اعضای جامعه حسابداران رسمی"، نشان دادند که تمایل حسابرسان به بازاریابی با سختی جذب کار توسط حسابرس رابطه معناداری دارد و می‌توان گفت با افزایش سختی جذب کار توسط حسابرس، تمایل حسابرسان به بازاریابی نیز افزایش می‌یابد. مهدوی و دریایی (۱۳۹۴: ۱)، دریافتند که بین نگرش حسابرسان کارآفرین و سایرین، نسبت به فعالیت‌های بازاریابی بر تعادل بین زمان حسابرسی و فعالیت‌های بازاریابی، تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین، آن‌ها نشان دادند حسابرسان کارآفرین در مواجهه با موضوعات چالش برانگیز مانند فعالیت‌های بازاریابی می‌توانند کمک موثری به مدیران خود نمایند. آن‌ها پیشنهاد دادند که به منظور کاهش فعالیت‌های بازاریابی در حرفه حسابرسی، قانون‌گذاران با اتخاذ راه کارهای مناسب، بازار حسابرسی را از انحصار خارج نمایند. بنایی مقدم و حافظی (۱۴۰۰: ۸۳)، به بررسی تاثیر معنویت در محیط کار بر رفتارهای ناکارآمد حسابرسی و کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد معنویت در محیط کار بر رفتارهای ناکارآمد حسابرسی تاثیر منفی و بر کیفیت حسابرسی تاثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارتی، یک کارمند راضی که نیازهای معنوی او تکمیل شده است، اثری در رفتارهای ناکارآمد شرکت ندارد، بلکه در عوض گرایش دارد یک رفتار کارآمدتر و بهتر از خود بروز

دهد. همچنین، معنویت در محیط کار، بخشی از یکپارچگی ارزش‌های اخلاقی است که عامل کنترل‌کننده محیط و بهبود کیفیت حسابداری است. شفقتی، امینیان و پاکدامنی (۱۳۹۹: ۶۳) به بررسی تاثیر تمرکز بازار حسابداری بر دوره تصدی حسابرسان و تاخیر گزارش حسابداری در شرکت‌های بورسی پرداختند. نتایج حاکی از آن بود، که تمرکز بازار حسابداری بر تاخیر گزارش حسابداری و دوره تصدی حسابرسان، تاثیر منفی و معناداری دارد. وهاب‌زاده گردودباری و بنی‌مهد (۱۳۹۶: ۱) رابطه معنادار و مستقیم میان قضاوت‌های اخلاقی حسابرسان و رابطه‌مداری را تایید می‌کنند. همچنین، نتایج پژوهش آن‌ها بیانگر آن بود که سطح رابطه‌مداری و قضاوت اخلاقی در میان حسابرسان شاغل در بخش‌های خصوص و دولتی، حسابرسان زن و مرد و رتبه‌های شغلی حسابداری با هم برابر است. بنی‌مهد و بیگی هرچگانی (۱۳۹۲: ۳۱) دریافتند، میان جهت‌گیری‌های اخلاقی (آرمان‌گرایی و نسبی‌گرایی) و گرایش حسابرسان به نیت غیراخلاقی هنگام مواجهه با تنگناهای اخلاقی رابطه‌ای وجود ندارد، اما میان رابطه‌مداری و گرایش حسابرسان به رفتار غیراخلاقی، هنگام مواجهه با تنگناهای اخلاقی رابطه‌ای مثبت و معناداری وجود دارد. شجاعی، پورزمانی و یعقوب‌نژاد (۱۴۰۰: ۲۸۱) در پژوهشی نشان دادند، تمامی متغیرهای زیرمجموعه محیط اخلاقی (شامل محیط ابزاری، محیط دلخواه، محیط مستقل، محیط ضوابط، محیط کارایی محور و محیط قانون و مقررات)، بر عملکرد حسابرسان تاثیر مثبت و معناداری دارد و متغیرهای ایدئولوژی اخلاقی و ایده‌آل‌گرایی بر عملکرد حسابرسان تاثیر مثبت دارد. همچنین، نسبی‌گرایی بر عملکرد حسابرسان دارای تاثیر منفی و معنادار است.

مطابق مبانی نظری، مروری بر ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش، فرضیه پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:
میان تفکر نئولیبرالیسم حسابرسان و قضاوت اخلاقی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف در گروه مطالعات کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها به‌عنوان توصیفی/همبستگی طبقه‌بندی می‌گردد. محققان از روش کتابخانه‌ای همراه با مجلات، کتاب‌های درسی و وب‌سایت‌ها جهت طراحی چارچوب نظری استفاده کردند که هدف آن تبیین تاثیر نئولیبرالیسم بر قضاوت اخلاقی حسابرسان است. نتایج حاصل از این بررسی می‌تواند برای گروه‌های متعددی همچون، قانون‌گذاران حرفه حسابداری، سازمان حسابداری، جامعه حسابداران رسمی و موسسات حسابداری مورد استفاده قرار گیرد.

جامعه آماری این پژوهش، حسابرسان شاغل در سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی در سال ۱۴۰۰ می‌باشند. ابزار گردآوری پرسشنامه است و در دو بخش سوالات عمومی و سوالات تخصصی و توزیع در جامعه هدف گردآوری شده است. در بخش عمومی سوالات در خصوص ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخ‌دهندگان همچون جنسیت، تجربه، رده سازمانی و محل خدمت است و در بخش سوالات تخصصی برای اندازه‌گیری تفکر نئولیبرالیسم از پرسشنامه نئولیبرالیسم بای‌چنگ^۱ و همکاران (۲۰۱۵) استفاده شده است. این پرسشنامه شامل ۲۵ سوال هفت گزینه‌ای است. نحوه نمره‌دهی به سوالات در پرسشنامه مذکور بر حسب طیف ۷ درجه‌ای لیکرت، از کمترین موافقت با امتیاز ۱ و بیشترین موافقت با امتیاز ۷، است. همچنین، برای اندازه‌گیری قضاوت اخلاقی از پرسشنامه باررائینکو و اسپینوزاپیک^۲ (۲۰۱۸) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۶ سوال در طیف لیکرت پنج گزینه‌ای می‌باشد. نحوه نمره‌دهی به سوالات در پرسشنامه مذکور بر حسب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت، از کمترین موافقت با امتیاز ۱ و بیشترین موافقت با امتیاز ۵ است. هر دو پرسشنامه استاندارد می‌باشند که در تحقیقات قبلی مورد استفاده پژوهشگران قرار گرفته است و از روایی کافی برخوردار می‌باشند. جهت اندازه‌گیری پایایی ابزار پژوهش از معیار آلفای کرونباخ استفاده شد. آلفای کرونباخ دو پرسشنامه به ترتیب برابر با ۷۶ درصد و ۸۲ درصد بود.

تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای اکسل و اس.پی.اس.انجام شد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری افراد در دسترس استفاده شد و جهت افزایش اعتبار تحقیق و با توجه به اندک بودن نرخ بازگشت پرسشنامه ۳۰۰ پرسشنامه کاغذی میان حسابرسان توزیع گردید و در نهایت ۱۹۴ مورد پرسشنامه مبنای تحلیل آماری قرار گرفت. همچنین، مدل پژوهش برای آزمون فرضیه پژوهش به شرح مدل شماره ۱ است:

$$Y = a_0 + a_1x_1 + a_2x_2 + a_3x_3 + a_4x_4 + \epsilon$$

مدل شماره ۱

که در آن:

Y: قضاوت اخلاقی، x_1 : سطح تفکر نئولیبرالیسم، x_2 : رتبه شغلی، x_3 : حسابدار رسمی و x_4 :

جنسیت، است.

1. Bay-Cheng

2. Barrainkua & Espinosa-Pike

براساس ۱۹۴ پرسشنامه‌ای که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت نتایج زیر به دست آمد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات جمعیت‌شناختی در جدول ۱ ارائه گردیده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه

متغیرها	شرح	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۴۸	۲۵٪
	مرد	۱۴۶	۷۵٪
تحصیلات	کارشناسی	۴۶	۲۴٪
	دانشجوی ارشد	۱۵	۸٪
	کارشناسی ارشد	۸۶	۴۴٪
	دانشجوی دکتری	۲۹	۱۵٪
	دکتری	۱۸	۹٪
	۵ و کمتر از ۵ سال	۳۸	۱۹٪
سابقه کار	۶ تا ۱۰ سال	۴۵	۲۳٪
	۱۱ تا ۱۵ سال	۳۹	۲۰٪
	۱۶ تا ۲۰ سال	۲۸	۱۵٪
	۲۰ سال به بالا	۴۴	۲۳٪
رتبه شغلی	حسابرس	۴۵	۲۳٪
	حسابرس ارشد	۴۶	۲۴٪
	سرپرست	۳۴	۱۷٪
	مدیر حسابرسی	۳۸	۲۰٪
	شریک حسابرسی	۳۱	۱۶٪

متغیر وابسته در این پژوهش، قضاوت اخلاقی و متغیر مستقل تفکر نئولیبرالیسم است. همچنین، متغیرهای سن، جنسیت، حسابدار رسمی بودن یا نبودن و رتبه شغلی حسابرسان به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

اطلاعات مربوط به آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و حداکثر متغیرها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. آمار توصیفی

شرح	نئولیبرالیسم	قضاوت اخلاقی	سن	رتبه شغلی	جنسیت	حسابدار رسمی بودن/نبودن
میانگین	۱۱۲/۳۲	۱۳/۱۹	۴۰	۲/۸۱	۰/۷۵	۰/۶۵
میانه	۱۱۳	۱۲	۳۹	۳	۱	۱
انحراف معیار	۱۶/۳۵۵	۴/۸۹۹	۹/۹۳۵	۱/۴۰۷	۰/۴۳۳	۰/۴۷۸
حداقل	۲۶	۶	۲۳	۱	۰	۰
حداکثر	۱۵۱	۳۰	۷۰	۵	۱	۱

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، ضریب تعیین تعدیل یافته برابر با ۰/۱۵۶ است. این موضوع بیانگر آن است که حدود ۱۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته براساس تغییرات متغیرهای مستقل خط رگرسیون بیان می‌شود و بقیه آن متاثر از سایر عواملی است که در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته است. از آنجا که مقدار آماره دورین واتسون (۲/۰۷۵) در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، فرض بر عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد.

جدول ۳. خلاصه مدل

شرح	دورین واتسون	خطای معیار ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل یافته	ضریب تعیین همبستگی	ضریب همبستگی
مدل	۲/۰۷۵	۷/۱۸۱	۰/۱۵۶	۰/۱۷۴	۰/۴۱۷

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، برای بررسی اعتبار مدل رگرسیونی از آزمون آماری آنالیز واریانس (ANOVA) استفاده شد. این آزمون برای تحلیل دارای آماره فیشر است. همانطور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، سطح معناداری این آزمون برابر ۰/۰۰۰ و مقدار آماره فیشر برابر با ۹/۸۶۸ می‌باشد. بنابراین، آزمون فوق، صحت و اعتبار خط رگرسیون (مدل رگرسیونی) را تایید می‌نماید.

جدول ۴. تحلیل واریانس مدل رگرسیونی (ANOVA)

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره فیشر	سطح معناداری
رگرسیون	۲۰۳۵/۴۹۳	۴	۵۰۸/۸۷۳	۹/۸۶۸	۰,۰۰۰
باقی مانده	۹۶۹۵/۲۲۲	۱۸۸	۵۱/۵۷۰	---	---
کل	۱۱۷۳۰/۷۱۵	۱۹۲	---	---	---

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد میان الگوی فکری نئولیبرالیسم با قضاوت اخلاقی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. عامل تورم واریانس برای هر یک از متغیرها نزدیک به عدد یک می‌باشد؛ این موضوع نشان می‌دهد که میان متغیرهای مستقل و کنترلی خودهمبستگی وجود ندارد.

جدول ۵. نتایج آزمون مدل

شرح	ضرایب	خطای معیار ضرایب رگرسیون	آماره T	سطح معناداری	عامل تورم واریانس
مقدار ثابت	۱۵/۷۷۲	۲/۶۰۲	۶/۰۶۱	۰/۰۰۰	
رتبه شغلی	(۰/۳۹۷)	۰/۲۵۹	(۱/۵۳۴)	۰/۱۲۷	۰/۹۰۶
نئولیبرالیسم	(۰/۱۹۱)	۰/۰۳۲	(۶/۰۰۴)	۰/۰۰۰	۰/۹۸۲
حسابدار رسمی بودن/نبودن	۱/۵۲۳	۰/۷۴۲	۲/۰۵۳	۰/۰۴۱	۰/۹۵۲
جنسیت	۲/۱۱۹	۰/۸۲۴	۲/۵۷۱	۰/۰۱۱	۰/۹۵۵

بحث و نتیجه‌گیری

شناخت این مساله که تفکر نئولیبرالیسم در میان حرفه حسابرسی چگونه است و تا چه اندازه قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان را تحت تاثیر قرار می‌دهد، امری مهم در حرفه حسابرسی به شمار می‌رود. حسابرسان از یک سو با اعتباربخشی به گزارش‌های مالی، منافع عموم مردم را حفظ می‌کنند و از سوی دیگر در یک واحد انتفاعی به نام موسسه حسابرسی فعالیت دارند که برای کسب درآمد به ارائه خدمات به صاحبکاران نیاز دارند. یکی از نگرانی‌ها، مربوط به زمانی است که این دو نقش با هم در تضاد باشند. کیفیت حسابرسی، محصول قضاوت‌های فردی حسابرس است و تحت تاثیر الگوهای فکری پیرامون محیط حسابرس است و قضاوت حسابرس تحت تاثیر ملاحظات فنی و اخلاقی قرار می‌گیرد (واتکینز، هیلسون و مورکرافت، ۲۰۰۴: ۱۵۵). الگوی فکری حسابرس زیرمجموعه‌ای از فعالیت‌های حسابرس است و زمینه خاصی را برای حسابرسان فراهم می‌کند تا بر پایه آن قضاوت کنند. شناسایی عواملی که بر قضاوت حرفه‌ای حسابرسان موثر هستند، می‌تواند کمک بزرگی به حسابرسان مستقل نماید. بخش بزرگی از حسابرسی، اظهارنظر بر مبنای قضاوت

حرفه‌ای است و ویژگی‌های شخصیتی حسابرسان است که باید بصورت دقیق‌تری مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان پیرامون کیفیت حسابرسی مطالعات دقیق‌تری انجام داد. علاوه بر این، محققان معتقد هستند که تفاوت‌های روان‌شناختی فردی می‌تواند به‌عنوان متغیر اثرگذار بر قضاوت اخلاقی حسابرسان باشد. بنابراین، حسابرسان جهت داشتن قضاوت با کیفیت بالاتر، نیازمند تفکر منطقی هستند و این تفکر منطقی مدیون الگوی فکری آنان می‌باشد (لیبی و لاف، ۱۹۹۳: ۴۲۷).

نئولیبرالیسم، به‌عنوان یکی از اصول فکری نوین، می‌تواند قضاوت اخلاقی حسابرسان را کاهش دهد. قضاوت حسابرس یکی از موضوعات مهم حوزه تحقیقات حسابرسی است. برخی از کارهای حرفه‌ای مانند قضاوت، پزشکی و حسابرسی مبتنی به قضاوت یک فرد حرفه‌ای است. اگر بخواهیم حسابرسی را از سایر حرفه‌ها متمایز کنیم، می‌توانیم دو ویژگی استقلال و بی‌طرفی حسابرس و دیگری قضاوت حسابرس را بر شماریم. این دو موضوع به حسابرس شخصیت می‌دهد. وظیفه اصلی حسابرسان گواهی دادن نسبت به این موضوع است که صورت‌های مالی از تمام جنبه‌های با اهمیت عاری از هرگونه تحریف اساسی است. این امر مستلزم بی‌طرفی در قضاوت حسابرس است. این امر حاکی از آن است که برخی از حسابرسان در برابر تمایلات فردی خود تسلیم می‌شوند و منافع شخصی خود را دنبال می‌کنند و در امر قضاوت، استقلال و بی‌طرفی نیستند. باید برای حل این مشکلات به دنبال ریشه‌یابی و بررسی الگوهای فکری حسابرسان بود. هنگامی که حسابرسان مطابق میل و نیازهای گزارشگری مدیران و در راستای منافع خود عمل می‌کنند، تردید حرفه‌ای آن‌ها نسبت به صورت‌های مالی کمتر می‌شود، به بیان دیگر کیفیت حسابرسی تحت تاثیر این مسئله قرار می‌گیرد. تفکرات نئولیبرالیسم به‌طور قابل توجهی به کاهش میزان رضایت از زندگی منجر می‌شود. این الگوی فکری، استانداردهای بالای زندگی غیرواقعی را به فرد تحمیل می‌کند که هرگز قابل دستیابی نیست. نئولیبرالیسم در کاربرد عمومی، اغلب به طرفداری از خواسته‌ها و نیازهای مادی و ناچیز شمردن امور معنوی اشاره دارد و نوعی روش زندگی، عقیده و گرایش کامل به سمت علایق مادی است.

یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد، الگوی فکری نئولیبرالیسم رابطه منفی و معناداری با قضاوت اخلاقی حسابرسان دارد. به عبارت دیگر، هرچه الگوی فکری افراد به سوی نئولیبرالیسم افزایش یابد، در آن صورت قضاوت اخلاقی حسابرسان کاهش می‌یابد. براساس شواهد پژوهش حاضر، می‌توان گفت که

الگوی فکری غالب یک جامعه نقش مهمی در قضاوت افراد و حرفه حسابرسی ایفا می‌کند. این امر، باورها، نگرش‌ها، ویژگی‌های رفتاری و رفتارهای اخلاقی حساب‌رسان را تحت‌تاثیر خود قرار می‌دهد. به بیان دیگر، پژوهش حاضر بر این نکته تأکید دارد که رفتار اخلاقی حساب‌رسان، علاوه بر عوامل فردی، به الگوهای فکری جامعه از جمله تفکرات نئولیبرالیسم بستگی دارد. یافته‌های این پژوهش، با نظریه نئولیبرالیسم در جامعه مطابقت دارد. طبق این نظریه می‌توان گفت نئولیبرالیسم یک الگوی فکری است که بر مادی‌گرایی به‌عنوان پیامد ضروری سرمایه‌داری و رقابت در بازار متمرکز شده است. همچنین، نتایج پژوهش حاضر را می‌توان با یافته‌های دی ملو (۲۰۰۵)؛ لئورل (۲۰۱۵)؛ بارت و جندرون (۲۰۰۶) و بنی‌مهد و همکاران (۱۳۹۲) که نشان دادند چگونه مادی‌گرایی بر قضاوت اخلاقی حساب‌رسان تأثیر دارد، یکسان دانست.

لزوم توجه به اخلاق و حفظ منافع عمومی در حرفه حسابرسی امری حیاتی برای جامعه است؛ بطوریکه رعایت رفتار و معیارهای اخلاقی می‌تواند به‌عنوان هسته وجودی حرفه باشد. با توجه به اینکه وضعیت اقتصادی مناسب منجر به رشد درآمد شخص می‌شود، این مهم می‌تواند تصمیم‌گیری اخلاقی را بهبود بخشد. همانطور که محققان دریافته‌اند، کارمندان پر درآمد دارای سطح بالایی از رضایتمندی دستمزد هستند و کم‌تر در رفتارهای غیر اخلاقی سازمان درگیر می‌شوند. از آنجا که حساب‌رسان نقش بااهمیتی در اطمینان‌بخشی نسبت به صحت اطلاعات حسابداری به استفاده‌کنندگان آن اطلاعات دارند، بنابراین پیشنهاد می‌شود تا قانون‌گذاران در حرفه حسابرسی، سیاست‌گذاری‌های مناسبی در زمینه اقتصادی اتخاذ نمایند. آموزش نیز یکی از متغیرهایی است که منجر به پرورش انسان شده و با توجه به رشدی که در مقاطع مختلف عمر دارد، منجر به تصمیم‌گیری اخلاقی می‌شود. پژوهشگران معتقدند آموزش و پرورش و تربیت از متغیرهایی هستند که روند مثبت و قابل توجهی در اخلاقیات و رفتار افراد دارد و این مهم می‌تواند فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی را بهبود بخشد. در فرآیند اجرای تحقیق برخی از محدودیت‌ها وجود دارد که لازم است آن‌ها را در نظر گرفت. این محدودیت‌ها شامل خطرهای ناشی از سوگیری پاسخ‌دهندگان، انگیزه‌های شرکت‌کنندگان در بررسی، اعمال محافظه‌کاری در پاسخ‌ها و شرایط روحی و روانی مشارکت‌کنندگان است که اساساً قابل کنترل نخواهد بود. همچنین، به دلیل شیوع ویروس کرونا و اشتغال حرفه‌ای حسابداران رسمی در دوره مورد بررسی، جذب مشارکت بیشتر امکان‌پذیر نبود. در نهایت، با توجه به جدید بودن موضوع نئولیبرالیسم به منظور مقایسه نتایج این پژوهش با پژوهش‌های داخلی، پژوهش مرتبگی در این حوزه یافت نشد.

منابع

- بنایی قدیم، رحیم، و حافظی، بابک. (۱۴۰۰). تأثیر معنویت در محیط کار بر رفتارهای ناکارآمد حسابرس و کیفیت حسابرسی. *فصلنامه حسابداری و منافع اجتماعی*. ۱۱(۲): ۸۳-۱۰۲.
- بنی مهد، بهمن، و بیگی هرچگانی، ابراهیم. (۱۳۹۱). رابطه بین ارزش‌های فردی و نیت اخلاقی حسابرسان. *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۷(۴): ۳۱-۴۰.
- بنی مهد، بهمن، مرادزاده فرد، مهدی، و زینالی، مهدی. (۱۳۹۲). رابطه بین تغییر حسابرس مستقل و تغییر اظهارنظر حسابرسی. *دانش حسابداری*، ۴(۱۴): ۹۱-۱۰۸.
- شجاع، نفیسه، بنی مهد، بهمن، و وکیلی فرد، حمیدرضا. (۱۳۹۷). بررسی دیدگاه حسابرسان درباره فعالیت‌های بازاریابی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۰(۳۸): ۳۱-۴۶.
- شایسته شجاعی، پرویز، پورزمانی، زهرا، و یعقوب نژاد، احمد. (۱۳۹۹). تأثیر معیارهای رفتار اخلاقی (محیط اخلاقی، تعهد حرفه‌ای، ارزش‌های اخلاقی و ایدئولوژی اخلاقی) بر عملکرد حسابرسان. *دوفصلنامه علمی حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۵(۱۰): ۲۸۱-۳۱۸.
- شفعتی، مرتضی، امینیان، ابوالفضل، و پاکدامن، حسن. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر تمرکز بازار حسابرسی بر دوره تصدی حسابرس و تاخیر گزارش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه حسابداری و منافع اجتماعی*، ۱۰(۲): ۶۳-۸۹.
- مشهدی قره قیه، هادی، بنی مهد، بهمن، فرقاندوست حقیقی، کامبیز، و مرادزاده فرد، مهدی. (۱۳۹۸). ماکیاولیسم، پول پرستی، فرهنگ مشتری مداری و خرید اظهارنظر حسابرسی از سوی صاحبکار. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۸(۲۹): ۱۶۱-۱۷۴.
- موفق، علی رضا، و هادوی نیا، علی اصغر. (۱۳۸۸). مبانی اخلاقی مصرف‌ازدیدگاه مکاتب سودگرایی وظیفه‌گرایی و اسلام. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۹(۳۶): ۳۳-۵۷.
- مهدوی، غلامحسین، و دریایی، عباسعلی. (۱۳۹۴). نگرش حسابرسان کارآفرین و سایرین به تعادل زمانی بین فعالیت‌های بازاریابی و حسابرسی. *دانش حسابداری مالی*، ۲(۴): ۱-۲۵.
- موسوی شیری، سیدمحمود، و پهلوان، مریم. (۱۳۹۴). توازن بین مسئولیت‌های حسابرسی و عمل بازاریابی توسط اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران. *پیشرفت مالی حسابداری*، ۷(۲): ۱۸۳-۲۱۸.
- وهاب زاده گردودباری، میلاد، و بنی مهد، بهمن. (۱۳۹۵). اثر رابطه مداری بر قضاوت‌های اخلاقی حسابرسان. *فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۵(۲۰): ۱-۲۰.

References

- Astroulakis, N. (2014). An ethical analysis of neoliberal capitalism: alternative perspectives from development ethics. *Éthique et économique= Ethics and economics*, 11(2).
- Astroulakis, N. (2013). Challenging Conventional Economics: An Ethical Development Paradigm. *Problemas del desarrollo*, 44(175), 33-53.
- Bakre, O. M., McCartney, S., & Fayemi, S. O. (2022). Accounting as a technology of neoliberalism: the accountability role of IPSAS in Nigeria. *Critical Perspectives on Accounting*, 87, 102282.
- Banimahd, B., & Beigi Harchegani, E. (2013). The Relationship between Personal Values and Ethical Intentions of Auditors. *Ethics in science and Technology*, 7(4), 31-40. (In Persian)
- Banimahd, B., Moradzadehfard, M., & Zeynali, M. (2013). Relationship between change of independent auditor and change of audit opinion. (In Persian)
- Barrainkua, I., & Espinosa-Pike, M. (2018). The influence of auditors' professionalism on ethical judgement: Differences among practitioners and postgraduate students. *Revista de Contabilidad*, 21(2), 176-187.
- Barrett, M., & Gendron, Y. (2006). WebTrust and the "commercialistic auditor": The unrealized vision of developing auditor trustworthiness in cyberspace. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*.
- Bay-Cheng, L. Y., Fitz, C. C., Alizaga, N. M., & Zucker, A. N. (2015). Tracking homo oeconomicus: Development of the neoliberal beliefs inventory. *Journal of Social and Political Psychology*, 3(1).
- Benatar, S., Upshur, R., & Gill, S. (2018). Understanding the relationship between ethics, neoliberalism and power as a step towards improving the health of people and our planet. *The Anthropocene Review*, 5(2), 155-176.
- Bonabi Ghadim, R., & Hafezi, B. (2021). Effect of Workplace Spirituality on Auditor Dysfunctional Behavior and Audit Quality. *Journal of Accounting and Social Interests*, 11(2), 83-101. (In Persian)
- Broberg, P., Umans, T., Skog, P., & Theodorsson, E. (2018). Auditors' professional and organizational identities and commercialization in audit firms. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 31(2), 374-399.
- Broberg, P., Umans, T., & Gerlofstig, C. (2013). Balance between auditing and marketing: An explorative study. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 22(1), 57-70.
- DeMartino, G. (2002). Global economy, global justice: Theoretical and policy alternatives to neoliberalism. *Routledge*.
- Dermarkar, S., & Hazgui, M. (2022). How auditors legitimize commercialism: A micro-discursive analysis. *Critical Perspectives on Accounting*, 83, 102228.
- Dermarkar, S., & Gendron, Y. (2019). The incursion of neoliberalism into audit standard-setting arenas: A disproportionate influence?. *Accounting Auditing Control*, 25(2), 55-85.

- D'Mello, B. (2002). Transnational pharmaceutical corporations and neo-liberal business ethics in India. *Journal of Business Ethics*, 36, 165-185.
- Fenton, J. (2020). 'Four's a crowd'? Making sense of neoliberalism, ethical stress, moral courage and resilience. *Ethics and social welfare*, 14(1), 6-20.
- Freeman, S. (2011). Capitalism in the classical and high liberal traditions. *Social Philosophy and Policy*, 28(2), 19-55.
- Hamann, T. H. (2009). Neoliberalism, governmentality, and ethics. *Foucault studies*, 37-59.
- Harvey, D. (2007). A brief history of neoliberalism. Oxford University Press, USA.
- Johari, R. J., Mohd-Sanusi, Z., & Chong, V. K. (2017). Effects of auditors' ethical orientation and self-interest independence threat on the mediating role of moral intensity and ethical decision-making process. *International Journal of Auditing*, 21(1), 38-58.
- Jordaan, J. A., Dima, B., & Goleţ, I. (2016). Do societal values influence financial development? New evidence on the effects of post materialism and institutions on stock markets. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 132, 197-216.
- Khair, A. H. A., Haniffa, R., Hudaib, M., & Karim, M. N. A. (2015, September). Personalisation of power, neoliberalism and the production of corruption. In *Accounting Forum* (Vol. 39, No. 3, pp. 225-235). No longer published by Elsevier.
- Laurell, A. C. (2015). Three decades of neoliberalism in Mexico: the destruction of society. *International Journal of Health Services*, 45(2), 246-264.
- Libby, R., & Luft, J. (1993). Determinants of judgment performance in accounting settings: Ability, knowledge, motivation, and environment. *Accounting, organizations and society*, 18(5), 425-450.
- DARYAEI, A. A. (2016). Entrepreneur auditors' attitudes and others toward balance time between auditing and marketing activities. *Financial Accounting Knowledge*, 2(4), 1-25. (In Persian)
- Marangos, J., & Astroulakis, N. (2010). The Aristotelian contribution to development ethics. *Journal of economic issues*, 44(2), 551-558.
- Mashhadi Gharaghaya, H., Banimahd, B., Forqandoost Haqiqi, K., & Moradzadehfard, M. (2019). Machiavellianism, Love of Money, Consumerism Culture and opinion shopping By Client. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 8(29), 161-174. (In Persian)
- McLeod, J. (2017). Reframing responsibility in an era of responsabilisation: Education, feminist ethics. *Discourse: Studies in the Cultural Politics of Education*, 38(1), 43-56.
- Merino, B. D., Mayper, A. G., & Tolleson, T. D. (2010). Neoliberalism, deregulation and Sarbanes-Oxley: The legitimation of a failed corporate governance model. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*.
- Mitchell, A., & Sikka, P. (2011). The pin-stripe mafia: How accountancy firms destroy societies. *Association for Accountancy & Business Affairs*.

- Mousavi Shiri, M., & Pahlavan, M. (2016). Balancing between Marketing and Auditing Responsibility by Members of Iranian Association of Certified Public Accountants. (In Persian)
- Movafagh, A. R., & Hadavinia A. A. (2009). Ethical foundations of consumption from the perspective of the schools of utilitarianism, conscientiousness, and Islam. *Journal of Islamic economy*, 9 (36), 33-57. (In Persian)
- Oyarzún, J. D., Gerrard, J., & Savage, G. C. (2021). Ethics in neoliberalism? Parental responsibility and education policy in Chile and Australia. *Journal of Sociology*, 58 (3), 1-19.
- Shafati, M., Aminian, A., & Pakdaman, H. (2020). The Effect of Audit Market Concentration on Audit Report Lag and Auditor Tenure of Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting & Social interests*, 10 (2), 63-89. (In Persian)
- Shayeste Shojaei, P., Poorzamani, Z., & Yaghobnezhad, A. (2021). The Impact of Ethical standards including Ethical Environment, Professional Commitment, Ethical Values, and Ethical Ideology on the Performance of Auditors. *Journal of Value & Behavioral Accounting*, 5 (10), 281-318. (In Persian)
- Shoja, N., Banimahd, B., & Vakilifard, H. (2018). Review auditors' views on marketing activities. *Journal of Financial accounting & auditing research*, 10 (38), 31-46. (In Persian)
- Sikka, P. (2015). The corrosive effects of neoliberalism on the UK financial crises and auditing practices: A dead-end for reforms. *Accounting Forum*, 39 (1), 1-18.
- Stewart, B. (2002). *Marketing Professional Services-how to win new clients and keep the ones you have*. Toronto: The Canadian Institute of Chartered Accountants.
- Vahabzadeh Gardroodbari, M., & Banimahd, B. (2017). Impact of Relativisional to the Moral Judgment of Auditors. *Management accounting and auditing knowledge*, 5 (20) 1-12. (In Persian)
- Vallentin, S., & Murillo, D. (2022). Ideologies of Corporate Responsibility: From Neoliberalism to “Varieties of Liberalism”. *Business Ethics Quarterly*, 32(4), 635-670.
- Watkins, A. L., Hillison, W., & Morecroft, S. E. (2004). Audit Quality: A Synthesis of Theory and Empirical Research. *Journal of Accounting Literature*, 23, 153-193).

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC-BY 4.0 license.